

تغییرات اجتماعی شهر تهران در دوره پهلوی اول

عبدالحسین کلانتری*^۱ و حسن بخشی زاده^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۱۲ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۲/۰۱

چکیده:

بررسی و کسب دانش از نحوه تغییرات اجتماعی شهر در دوره‌های تاریخی متعدد بالاخص در اوایل توسعه و گسترش شهر، از اهمیت به سزایی در جامعه‌شناسی شهری برخوردار است. لذا هدف این مقاله، بررسی تغییرات اجتماعی شهر تهران در دوره پهلوی اول (۱۳۰۴-۱۳۲۱) است. در ارتباط با روش تحقیق، تحلیل تاریخی و تحلیل هرمنوتیک تفسیری به موازات یکدیگر در اینجا استفاده شده است. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که: شهر تهرانی که در در اواخر دوره قاجاریه، تهران با هرج و مرج و ضعف قدرت مرکزی روبرو شده بود، در طی سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ شاهد تغییرات و تحولاتی بود که تا آن مقطع تاریخی تجربه نکرده بود. تغییراتی (نظیر پیدایش دیوانسالاری، اجرای سیستم جدید مدیریت شهری (بلدیه)، گسترش محلات و ایجاد محلات جدید، ایجاد ساختمان‌های متعدد و زیاد، ایجاد خیابان‌ها، توسعه فضایی شهر، حرفه‌ها و مشاغل جدید، مهاجرت و افزایش جمعیت شهری و ...) باعث تغییر الگوهای دیرپای زندگی در شهر شد و شهرنشینی مدرن را نوید داد. در کنار این در پی سیاست‌های تجددگرایی، شاهد شدت گرفتن هجوم فرهنگ غربی به شکل بی‌سابقه‌ای در شهر بالاخص در معماری و شهرسازی و فرهنگ و آداب مردم در تهران هستیم. نتیجه تحقیق حاکی است که شهرنشینی جدید در ایران، با محوریت شهر تهران شکل گرفت و با نوسازی و طرح‌های توسعه شهری توسط دولت به تبعیت از کشورهای غربی، با ایجاد تغییرات شگرف اجتماعی و رویارویی با ناشناخته‌ترین مسائل شهری همراه بود. تغییراتی که مردم شهری، صرفاً پذیرندگان این تغییرات هستند و خودشان را با آنها انطباق می‌دهند.

واژگان کلیدی: شهر، تهران، تغییرات اجتماعی، دوره پهلوی (۱۳۰۴-۱۳۲۱).

۱. دانشیار جامعه‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران (نویسنده مسئول). abkalantari@ut.ac.ir

۲. دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه تهران. hassnbakhshi@ut.ac.ir

Social Changes in Tehran during the First Pahlavi Period

Abdolhosein Kalantari*¹ & Hassan Bakhshizadeh²

Received: 2020-02-01

Accepted: 2020-04-20

Abstract

Investigating and acquiring knowledge of how social change has taken place in numerous historical periods, especially early in the development and expansion of the city, is of great importance in urban sociology. The purpose of this article is to examine the social changes of Tehran during the first Pahlavi period (1332-1324). Here we have used parallel research methods, historical analysis, and interpretive hermeneutics in parallel. The findings of the study show that: Tehran, which faced chaos and weakness of central power in the late Qajar period, saw changes during the period 1300 to 1320 that it had not experienced until then. Changes (such as the emergence of bureaucracy, the implementation of the new urban management system (BALDIA), the expansion of neighborhoods and the creation of new neighborhoods, the creation of numerous and numerous buildings, the creation of streets, the spatial development of the city, new occupations and jobs, the migration and growth of the urban population, etc). It changed the long-standing patterns of life in the city, promising modern urbanization. Alongside these modernization policies, we are witnessing an unprecedented intensification of Western culture in the city, especially in architecture, urbanism, and the culture and customs of the people in Tehran. The results of the study show that the new urbanization in Iran was centered on Tehran and was accompanied by modernization and urban development plans by the government to adhere to western countries, creating dramatic social changes and confronting the most unknown urban issues. The changes that urban people are simply accepting and adapting to these changes.

Keywords: Tehran, city, Social Chang, Pahlavi Period (1304-1321).

1. Associate Professor, Department of Sociology, Faculty of Social Sciences, University of Tehran.
abkalantari@ut.ac.ir

2. PhD. of Sociology. hassnbakhshi@ut.ac.ir

مقدمه و طرح مسئله

به‌موازات به چالش کشیده شدن مباحث مدرنیته و توسعه در جهان معاصر و توجه و تأکید بسیاری از جوامع بر بنیادهای تاریخی و فرهنگی، تحولی عظیم در مطالعات شهری و جامعه‌شناسی شهری صورت گرفته است. به‌طوری‌که در طی دهه‌های اخیر شهرهای نقاط مختلف جهان، هویت مستقلی پیدا کرده‌اند. بنیان و اساس نظریات مدرن جامعه‌شناسی شهر، ریشه در کارهای جامعه‌شناسانی نظیر کارل مارکس، فردیناند تونیس، امیل دورکهایم، ماکس وبر و زیمل دارد که فرایندهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شهرنشینی و تأثیراتش بر بیگانگی اجتماعی، شکل‌گیری طبقات و ساخت یا تخریب هویت‌های فردی و جمعی را مطالعه کرده‌اند. هدف مکتب شیکاگو پاسخ به این سؤال بود که: چگونه افزایش شهرنشینی در دوره انقلاب صنعتی به طرح و بزرگ‌نمایی مشکلات اجتماعی کنونی منجر شد؟ تکامل و گذر از مکتب شیکاگو، با انتشار «به‌سوی یک نظریه خرده‌فرهنگی از شهرنشینی» کلود فیشر^۱ (۱۹۷۵) شروع شد که با نظریات بوردیو درباره سرمایه اجتماعی و سرمایه نمادین در یک چارچوبی در مکتب شیکاگو به کار گرفته شده بود تا چگونگی شکل گروه‌های فرهنگی، گسترش و متبلور شدن یک محله را شرح دهد (دانشگاه یورک، ۲۰۰۶).

شهر در ایران معاصر مانند نوعی «ماشین محرک» که مولد فضاهای شهری تأثیرگذار بوده، کلیت هستی فردی و اجتماعی ما را دگرگون کرده است. این دیدگاه مبتنی بر نظریه‌های تثبیت‌شده امروزی درباره شهر است. چرخش فضایی^۲ که ادوارد سوجا^۳ و میشل فوکو آن را در نظریه اجتماعی امروزه تثبیت کرده‌اند معنایی جز این ندارد که فضا خود متغیر مستقل و تبیین‌کننده یا تعیین‌بخش پدیده‌های اجتماعی است (فاضلی، ۱۳۹۶: ۱۰).

ایران، کشوری است آکنده از چیزهایی که با هم ناسازگارند. مردم آن بین قرون وسطا و قرن بیستم زیست می‌کنند. ایران، کشور زیادی‌ها و زیاده‌روی‌هاست. از جمله کشورهای نادری است که در آن بی‌شک هرگز مرحله بینابین ترقی، یعنی منزلگاه قرن بیستم، شناخته نخواهد شد. در یک عبارت، عنصر مدرن و قرون وسطا، همسری دارند و میدان‌داری می‌کنند و این‌ها همه طبیعی به نظر می‌رسد (سکویل-وست، ۱۳۷۵: ۹۷-۹۶).

دگرگونی‌های جهانی سال‌های آخر قرن نوزدهم و آغاز قرن بیستم دلایلی هستند که وظیفه دولت جدید را به سمت نوسازی کشور به هر قیمتی کشاندند. نوگرایی‌هایی که بدون شک، به معنای دگرگونی واقعی شرایط زندگی و روابط اجتماعی-اقتصادی حاکم نیست. این نوسازی، بیشتر تغییر فضایی ترکیب

1 Claude Fischer's

2 Edward William Soja

3 spatial turn

شهری را در پی می‌گیرد (حبیبی، ۱۳۶۸). در این دوره، ساختار اجتماعی و اقتصادی تهران، تغییر چشمگیری را به خود دید. چنین جنبش سریعی، چالش‌ها و واکنش‌های اجتماعی سریعی داشت (کاتوزیان، ۱۳۷۴). در واقع، نوسازی در دوره رضاشاه، در تمامی وجوه جامعه در شهر تهران و زندگی شهری جلوه‌گر بود. لذا این چالش و مسئله در این تحقیق است که شروع تغییرات شهر تهران و روند حرکت آن به سمت توسعه و نوسازی به چه شکلی صورت گرفته است و تهران با توجه به اینکه اولین محل ورود کشور به نوسازی در قرن بیستم بوده است از اهمیت به‌سزایی برای بررسی و تحقیق برخوردار است.

در بیشتر مطالعات، به بحث تقابل با مدرنیته و مسائل فراوان شهر تهران پرداخته شده است. لیکن از بُعد جامعه‌شناختی در این آثار، کمبودی در انجام مطالعات جامع تغییرات اجتماعی شهر تهران، روند شکل‌گیری و تحول شهر تهران دیده می‌شود (بخشی زاده، ۱۳۹۷). مدرنیته ایرانی، در قالب نوآوری‌هایی متفاوت، شهری با پیکره، سیما، چهره و ساختاری متفاوت با گذشته تهران ساخته است. برخی تغییرات اجتماعی شهر تهران در دوره پهلوی اول که آن را از دوره‌های قبلی متمایز می‌کند عبارتند از: تغییرات فرهنگی و اجتماعی (نظیر بهبود آموزش و پرورش، ساخت دانشگاه، کشف حجاب، احیاء زبان فارسی به وسیله فرهنگستان زبان، مهاجرت از روستا و افزایش جمعیت شهری، گسترش ادارات دولتی و شکل‌گیری طبقه جدید اداری و ...)؛ تغییرات اقتصادی و زیرساختی و معماری (از جمله: طرح توسعه شهر تهران، اجرای قانون بلدیه، تأسیس بانک ملی ایران، ساخت فرودگاه مهرآباد، ظهور فعالیت‌ها و عملکردهای جدید شهری و ...)؛ تغییرات سیاسی (ظهور دیوان‌سالاری جدید، تحکیم قدرت حکومت مرکزی، تشکیل ارتش مدرن، تمرکز امور مملکتی در پایتخت، وضع تقسیمات جدید شهری، ارتباط با کشورهای غربی و نقش آن‌ها در حاکمیت و ...) (بخشی زاده، ۱۳۹۷). از این رو، بررسی جامعه‌شناختی تهران در دوره پهلوی اول، یکی از نمونه‌های خوب تحول و توسعه شهری در جامعه‌شناسی شهری را شکل می‌دهد که هدف انجام این تحقیق است.

هدف اصلی این تحقیق، بررسی تغییرات اجتماعی شهر تهران در دوره پهلوی اول است. در این ارتباط سؤالات عمده عبارتند از: گذر تهران از دوره قبل به دوره پهلوی اول چگونه صورت گرفت؟ تغییر و تحول محلات شهری و توسعه آن چگونه صورت گرفت؟ تغییرات فرهنگی و شهرنشینی شهر تهران چگونه بود؟ نقش ارتباطات جهانی و قدرت‌های غربی در حاکمیت شهری تهران چگونه بود؟

پیشینه تحقیق

در ارتباط با شهر تهران در دوره رضاشاه از دیدگاه‌های شهرسازی و معماری و تا حدودی جغرافیایی نسبت به کارهای جامعه‌شناسان، کارهای زیادی صورت گرفته است. که در اینجا به تعدادی از آنها به صورت تحلیلی اشاره می‌شود.

استفانی کرونین (۱۳۹۳) در کتاب «رضاشاه و شکل‌گیری ایران نوین» در گزارشی تحلیلی کوشیده است تحولات تهران و ایران را در این دوران در بخش‌های مختلف از جمله بازسازی دولت، روابط خارجی، تحول در لباس و آموزش و پرورش، زنان و برخورد دولت با عشایر مورد بررسی قرار دهد. نویسنده بیشتر به تغییرات فرهنگی و ساختار سیاسی شهر تهران اشاره دارد و آن را در قالب رابطه دولت و اقدامات توسعه‌گرایانه از بالا به پایین مطالعه می‌کند.

محمدعلی اکبری (۱۳۸۴) در کتاب «تبارشناسی هویت جدید ایرانی: عصر قاجار و پهلوی اول»، مسئله هویت و زمینه‌های روشنفکرانه اقدامات دولتی آن را در شهر تهران در چهارچوب مسئله تشکیل دولت-ملت مورد توجه قرار می‌دهد. او، به دوران رضاشاه و اقدامات دولت در سه حوزه رویه‌های آموزشی، حقوقی و تبلیغاتی برای ایجاد هویت جدید می‌پردازد.

شهر، شهرسازی و مدرنیسم در ایران ۱۳۲۰-۱۲۹۹ ه.ش» (۱۳۷۸)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران به نگارش آقای عارف اقوامی قدم است. در این مطالعه، تکیه و تأکید بسیار زیادی بر «شهرساز» و از آن طریق «ذهنیت» به مفهوم اخص کلمه شده است. قطعی است که تولد شهرساز بسیار متأخر از شهرسازی صورت گرفته باشد. شهرسازی به مفهوم اعم قدمتی به اندازه ظهور اجتماعات انسانی داشته است و گرایش به شهر در ابتدایی‌ترین صور خود در تمایل به ماندگاری در یک مکان، تبلور می‌یابد.

ملک‌زاده و علیزاده بیرجندی (۱۳۹۰) در تحقیقی با عنوان «عوامل مؤثر در شکل‌گیری سیاست‌ها و تحولات جمعیتی در دوره رضاشاه طی سال‌های (۱۳۲۰-۱۳۰۴)» اشاره دارند که دولت پهلوی به شیوه‌های مختلف، گاه سیاست‌گذاری‌های مستقیم جمعیتی و گاه به شیوه‌های غیرمستقیم، بر مسائل جمعیتی تأثیر گذاشته است. در دوره رضاشاه، سیاست‌گذاری‌های جمعیتی، گاه بر اساس اهداف کمی پی‌ریزی و اجرا شده مثل کنترل و هدایت مهاجرت‌های داخلی؛ اما برخی از سیاست‌های جمعیتی در این دوره نشانگر توجه دولت به جنبه‌های کیفی جمعیت است. به‌عنوان نمونه سیاست‌هایی که در زمینه بهداشت جمعیت (مثل آموزش قابله‌های ماهر و تأسیس مدارس قابلیت‌گویی) اتخاذ شد، از ویژگی کیفی برخوردارند.

آدینه‌وند و همکاران (۱۳۹۶) در تحقیقی با عنوان «جایگاه و نقش زنان در نظام اداری ایران دوره رضاشاه (۱۳۰۴-۱۳۲۰ ش)» اشاره دارند که در دوره رضاشاه اصلاحات زیادی از جمله در عرصه نظام

اداری کشور انجام شد. از مهم‌ترین ویژگی‌های دیوان‌سالاری در این دوره، ورود زن به این بخش و شکل‌گیری قشر کارمند زن بود. کشف حجاب و سیاست حضور زنان در اجتماع و گسترش تعلیم و تربیت آنان در افزایش تعداد زنان کارمند تأثیر زیادی داشت و با گسترش دیوان‌سالاری و تأسیس ادارات مختلف، به بدنه آن راه یافتند. دستاوردهای تحقیق نشان می‌دهد که در دوره رضاشاه برای اولین بار در تاریخ اداری کشور، زنان به‌رغم ناکامی‌های حقوقی و جنبش‌های مدنی، در سطحی پایین‌تر از مردان به استخدام دولت درآمدند. گرچه ساختار فکری، فرهنگی و اجتماعی کشور و همین‌طور یکسان نبودن وضعیت توجه به شهرهای مختلف، موجب شد که زنان بیشتر در تهران و آن‌هم، عمدتاً در نظام آموزشی جدید، به‌کار گرفته شوند.

از پیشینه‌های اشاره‌شده و منابع مورد استفاده می‌توان دریافت که شهر تهران به شکل‌های مختلف و از ابعاد متعدد مورد مطالعه و تحقیق محققان صورت گرفته است و شاید مزیت این تحقیق نسبت به آن‌ها، نگاهی کلی به روند تغییرات شهر تهران از بُعدی جامعه‌شناسانه باشد که گذر تهران به عصر نوسازی، تغییر و تحول محلات شهری و توسعه آن‌ها را در کنار تغییر فرهنگی و شهرنشینی صورت گرفته با تأکید بر نقش ارتباطات جهانی و قدرت‌های غربی مورد بررسی قرار داده است.

چارچوب مفهومی

در اینجا به نقل برخی نظریات جامعه‌شناسی شهری می‌پردازیم که می‌تواند راهگشای ما در تحلیل بهتر یافته‌های تحقیق باشند و چارچوب مفهومی سؤالات تحقیق را شکل دهند.

اگر برای جامعه‌شناسی، مسئله اساسی، مطالعه کنش‌های اجتماعی افراد در فضاهای مختلف است، شهر مکان این کنش‌ها در ابعاد مختلف برای گروه‌های اجتماعی است. شهر بستر مطالعه پدیده‌ها و به عبارتی آزمایشگاه جامعه‌شناسی است (ربانی، ۱۳۸۷: ۶). به نظر ژان رمی^۱، شهر دارای نظم و انسجام فرهنگی همراه با نوآوری و پیشرفت است (به نقل از پرهام، ۱۳۵۶: ۲۸). از نظر جامعه‌شناسی، شهر فقط ساختمان نیست. بلکه مکان انسان‌ها، گروه‌ها، سازمان‌های اجتماعی، طبقات، خانواده‌ها و غیره است (توسلی، ۱۳۷۴: ۴).

بنیان و اساس نظریات مدرن جامعه‌شناسی شهر، ریشه در کارهای جامعه‌شناسانی نظیر کارل مارکس، فردیناند تونیس، امیل دورکهایم، ماکس وبر و زیمل دارد که فرایندهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شهرنشینی و تأثیراتش بر بیگانگی اجتماعی، شکل‌گیری طبقات و ساخت یا تخریب هویت‌های فردی و جمعی را مطالعه کرده‌اند. در ادامه، این مکتب شیکاگو (از سال ۱۹۱۵ تا ۱۹۴۰) بود که در اوایل

1. Jean Remy

قرن بیستم با حضور افرادی چون رابرت پارک، لوئیس ورت و ارنست برگس با استفاده از روش‌های کیفی و قوم‌نگاری به بررسی جامعه‌شناسانه و تا حدودی جغرافیای انسانی شهر شیکاگو پرداختند. هدف مکتب شیکاگو این بود که نحوه تعامل افراد در بین سیستم‌های اجتماعی شهری را بررسی کنند. آن‌ها بیشتر بر جامعه‌شناسی خرد تأکید داشتند و اینکه انسان‌ها چطور تحت لوای ساختار، فرهنگ و شرایط اجتماعی باهم تعامل پیدا می‌کنند. در واقع، محققان مکتب شیکاگو به دنبال پاسخ به این سؤال هستند که: چگونه افزایش شهرنشینی در دوره انقلاب صنعتی به طرح و بزرگ‌نمایی مشکلات اجتماعی کنونی منجر شد؟ تکامل و گذر از مکتب شیکاگو، با انتشار «به‌سوی یک نظریه خرده‌فرهنگی از شهرنشینی» کلود فیشر^۱ (۱۹۷۵) شروع شد که با نظریات بوردیو درباره سرمایه اجتماعی و سرمایه نمادین در یک چارچوبی در مکتب شیکاگو به‌کار گرفته شده بود تا چگونگی شکل گروه‌های فرهنگی، گسترش و متبلور شدن یک محله را شرح دهد (دانشگاه یورک، ۲۰۰۶).

در نظر اصحاب مکتب شیکاگو از جمله رابرت پارک، ارنست برگس و رودریگ مکنزی شهر همانند یک اندام زنده اجتماعی محل اسکان طبیعی انسان متمدن است. از این رو می‌تواند یک سازمان محیطی را به‌وجود آورد. شهر، نه تنها مجموعه‌ای از افراد انسانی، امکانات اجتماعی، خیابان‌ها، ساختمان‌ها، چراغ‌های برق، متروها، نهادها، بیمارستان‌ها و مدارس است، بلکه یک قلمرو و منطقه روانی که شامل مجموعه‌ای از شیوه‌های کاربردی، نگرش‌های سازمان‌یافته و احساسات است را تشکیل می‌دهد (وبر، ۱۳۷۰: ۵۱).

برطبق نظر هاروی، در جوامع در حال توسعه، جوامع شهری از ضعف ساختار بازار، عدم شکل‌گیری جامعه مدنی، ابهام و عقب‌ماندگی در ساختار طبقاتی این جوامع رنج می‌برند و برنامه‌ریزی جوامع مذکور فاقد ایدئولوژی نیست و باید آن را با توسل به فرماسیون جهانی سرمایه‌داری و مسئله انباشت مازاد در مقیاس جهانی، گسترش بازار کالاها و خدمات مصرفی در بازار جهانی مدنظر قرار داد. از نظر هاروی، راه دموکراسی و توسعه سرمایه‌داری و تولید بدیل آن از شهر می‌گذرد (هاروی، ۱۳۹۲).

برحسب نظر بشیریه (۱۳۹۵)، می‌توان گفت نیروهای اجتماعی، مجموعه طبقات و گروه‌هایی هستند که بر روی زندگی مردم به معنای کلی آن تأثیر دارند. نیروهای اجتماعی در نظام‌های سیاسی گوناگون، شیوه‌های رفتاری گوناگونی از خود نشان می‌دهند. این تفاوت به‌طور کلی به علل و عوامل مختلفی از جمله فرهنگ جامعه، میزان سازمان‌یافتگی نیروها، شیوه اعمال قدرت سیاسی، ویژگی و ماهیت نیروها، شیوه توزیع قدرت و منابع آن و عملکرد دیگر نیروهای اجتماعی بستگی دارد. در صورت‌بندی سیاسی و اقتصادی، روابط اجتماعی، فاعلیت و خویش‌شن اجتماعی نقش مهمی دارند، روابطی که بین مردم و مکان‌های شهری حکم‌فرما است و اینکه فرایندها و رویه‌های سیاسی، اقتصادی،

اجتماعی و فرهنگی چگونه ماهیت منحصربه‌فرد شهرها و زندگی ساکنان آنها از رهگذر زمان و فضا میانجی‌گری می‌شود باید بررسی شود (جین، ۱۳۹۶: ۳۷-۳۶).

از این رو باتوجه به مطالب بالا، مطابق مفاهیم نظری مکتب شیکاگو (بالاخص نظر هاروی، پارک، برگس و مکزی) در این تحقیق به بررسی مؤلفه‌های نحوه گذر شهر از یک دوره تاریخی به دوره تاریخی دیگر، ماهیت تغییر و تحول محلات شهری، تغییرات فرهنگی و شکل‌گیری شهرنشینی جدید، نیروهای اجتماعی تأثیرگذار بر تغییرات شهری و در انتها به نقش نیروهای خارجی در شهر پرداخته شده است.

روش تحقیق

در این تحقیق باتوجه به ماهیت موضوع، از روش‌های کیفی نظیر روش تاریخی و روش هرمنوتیک استفاده شده است.

وجه غالب تحقیقات تاریخی مربوط به پاسخ‌گویی به سؤالات مربوط به چگونگی و چیستی شهر تهران است، چیستی تغییرات، پدیده‌ها و کنش‌ها و چگونگی حدوث تغییرات. تغییرات اجتماعی شهر تهران، تغییرات در افکار و کنش‌های انسانی یا پدیده‌ها و وقایع حاصل از تجلیات آگاهی و اراده نیروهای اجتماعی را شامل می‌شود. لذا، تغییرات اجتماعی، واجد معنا دانسته می‌شوند و وظیفه محقق، کشف این معانی و توصیف آنهاست.

دوره پهلوی اول با سلطنت رضاشاه پهلوی، از سال ۱۳۰۴ تا ۱۳۲۰ را شامل می‌شود (طبری، ۱۳۹۵؛ نجفقلی و معتضد، ۱۳۸۲) و تغییرات اجتماعی شهر تهران در طی این دوره مورد بررسی قرار می‌گیرد.

سه گام عمده در هرمنوتیک تفسیری که به پدیدارشناسی تأویلی نیز نزدیک است و محقق با استفاده از آنها متن و داده‌ها را به خدمت تحلیل در آورده، عبارتند از: (۱) خوانش بومی^۱: محقق متن (متن و نوشته‌های مرتبط با دوره پهلوی اول) را مانند یک کل منسجم و بهم مرتبط می‌خواند تا با متن آشنا شده و به صورت‌بندی اندیشه‌ها درباره معنای آن متن به منظور تحلیل بیشتر بپردازد. (۲) تحلیل ساختاری^۲: این مرحله به شناسایی الگوهای اتصال معنادار اختصاص داشته و غالباً به آن چون «خوانش تفسیری» ارجاع می‌شود. (۳) تفسیر کل^۳: این مرحله شامل تأمل درباره خوانش اولیه در امتداد با خوانش تفسیری است تا فهم جامع یافته‌ها از دوره تاریخی پهلوی اول میسر شود (ریکور، ۱۹۹۱ و ۱۹۷۶؛

1 . naive reading

2 . structure analysis

3 . interpretation of the whole

2. Ricoeur

لیندست و نوربرگ^۱، ۲۰۰۴). در این روش، نظریه‌ها در پیوستگی تحلیل بین توصیف و تفسیر در نظر گرفته می‌شوند (برندستون^۲ و همکاران، ۲۰۰۷). گرچه برنامه‌های نرم‌افزاری می‌توانند در برخی زمینه‌ها نظیر کدگذاری مؤثر باشند، اما در اینجا اطلاعات جمع‌آوری شده به صورت دستی و با چند تکنیک پذیرفته شده با استفاده از فرایندهای سیستماتیک مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. این درگیری محقق، روانی، احساسی و شهودی است (گرونوالد، ۲۰۰۴؛ به نقل از مینر رومانوف، ۲۰۱۲).

یافته‌های تحقیق

در اینجا باتوجه به سه گام عمده تفسیری (خوانش بومی، تحلیل ساختاری و تفسیر کل) به سؤالات تحقیق پاسخ داده می‌شود. در بخش اول یک خوانش بومی کلی باتوجه به سؤالات از منابع صورت گرفته است. سپس در بخش دوم و سوم (یعنی تحلیل ساختاری و تفسیر کل) باتوجه به سؤال اصلی تحقیق و سؤالات فرعی یافته‌ها به صورت تحلیلی ارائه شده که عبارتند از:

۱. خوانش بومی

در این مرحله، بعد از خوانش منابع، مقوله‌ها به شکل منسجم و بهم مرتبط در زیر یک مقوله کلی می‌آیند. در واقع خوانش بومی، صورت‌بندی اندیشه‌ها درباره معنای متون باهدف تحلیل بیشتر است.

- شهر تهران، پیشگام اولین ورود همه‌جانبه به مدرنیته و نوسازی

* سال‌های آخر سلسله قاجار، ایران صحنه جنگ جهانی اول و جنبش‌های محلی، قحطی و ناامنی بود. این شرایط مانع رشد شهرنشینی و توسعه شهرسازی شد.

* از سال ۱۳۰۰ هـ.ش، تهران شاهد وجود یک دولت تثبیت شده و امنیت عمومی شد و دوره جدیدی در تهران آغاز شد.

* دوره معاصر در میان دو انقلاب، دوره‌ای است که به سبب نظام سرمایه‌داری جهانی، تغییر رژیم سیاسی ایران و تحولات سریع فنی، چهره زندگی اجتماعی و اقتصادی و سیمای کالبدی تهران دگرگون و از یک شهر سنتی محصور در حصار و خندق به یک شهر جدید با ساختار نوین مبدل شد.

* در این دوره شهرهای بزرگ ایران، به‌ویژه تهران، محل تحقق نظام سرمایه‌داری بودند.

3. Lindseth & Norberg

2. Berndtsson

- * در این دوره با استفاده از آرامش نسبی میان دو جنگ، زیرساخت‌های کشور همچون ارتش و راه‌ها نوسازی شد (استوارت، ۱۳۷۰).
- * در همین دوران بود که کاپیتولاسیون الغا شده و راه آهن سراسری ایران به سرعت ساخته شد (استفانی، ۱۳۹۳).
- * بنیان‌گذاری ارتش و قوای پلیس جدید (آروی و همکاران، ۱۳۷۱: ۲۵؛ آبراهامیان، ۱۳۷۷).
- * تأسیس و بنیان کاخ مرمر و کاخ سعدآباد (نجفقلی و معتضد، ۱۳۸۲).
- * تهران به‌عنوان پایتخت ایران در دوره قاجار، در سبزه‌میدان بین بازار و ارک و در زمان رضاشاه در توپخانه به‌صورت مرکز مدرن و جدیدی تبلور یافته بود.
- * سامان اداری و اقتصادی کشور با محوریت شهر تهران با انجام فعالیت‌هایی نظیر: اسکان عشایر، تأسیس دادگستری، تأسیس بانک ملی ایران، ساخت راه‌آهن سراسری ایران، جاده‌سازی در کشور، تأسیس رادیو ایران و خبرگزاری پارس، تأسیس دانشگاه تهران، گسترش صنایع، تأسیس فرهنگستان ایران (استفانی، ۱۳۹۳).
- * برپایی جامعه‌ای شبه غربی با محوریت شهر تهران، روح حاکم بر پروژه نوسازی در عصر پهلوی بود.
- * اصلاحات گسترده در نظام آموزشی، قضایی و اقتصادی با محوریت گسترش طرز تفکر و نحوه سلوک غربی در میان تمامی طبقات و گروه‌های اجتماعی شهر تهران.
- * دولت پهلوی اول به دنبال توسعه شهرهایی بود که از یک سو رها از نفوذ روحانیون، دسیسه بیگانگان، شورش عشایر و اختلافات قومی و از سوی دیگر دارای مؤسسات آموزشی به سبک اروپا، زنان متجدد و شاغل در بیرون از خانه، ساختار اقتصادی نوین با کارخانه‌های دولتی، شبکه‌های ارتباطی، بانک‌های نوین و ... است.
- * در دوره رضاشاه، شهر به‌مثابه آیین‌های اقدامات نوسازانه، چهره بیرونی تفکرات دولت را نمایان می‌کرد. نوسازی شهری به شکل عمده در احداث خیابان‌ها نمایان شد و خیابان به عامل اصلی هویت‌بخش شهر تبدیل شد (صفری و همکاران، ۱۳۹۳).
- * توسعه خیابان‌های سابق و ایجاد خیابان‌های جدید صرفاً با «دیکتاتوری پهلوی» امکان‌پذیر بود و «با هیچ زر و زوری ممکن نبود»، چراکه صرف‌نظر از اینکه خانه اعیان بود یا خانه بیوه‌زن، مسجد بود یا مدرسه، متعلق به داخله بود یا خارجه، باغ سفارت بود یا عمارت دولتی، همین‌که داخل خط فرضی خیابان واقع می‌شد به خرابی مبتلا می‌شد و به هر کیفیتی که بود مقصود که گشایش خیابان تازه یا وسعت دادن خیابان سابق باشد حاصل می‌شد (مستوفی، ۱۳۴۳: ۲۴۲).
- * دولت پهلوی اول که وارث ضرورت تاریخی انجام نوسازی و اصلاحات در ایران بود، درصدد برآمد با گام‌هایی بلند در جهت پیشرفت کشور حرکت کند. برای انجام اصلاحات و نوسازی، مهم‌ترین الگویی که وجود داشت، الگوی غربی بود و به‌همین علت تقلید و اقتباس از تمدن غرب برای وهله اول در شهر تهران مورد توجه قرار گرفت.
- * دست‌اندرکاران دولت پهلوی، به‌کارگیری فناوری جدید غرب را حلال تمام مشکلات اجتماعی- اقتصادی شهر تهران دانستند. در چنین تفسیری و برای تحقق پروژه‌های عظیم نوسازی دولتی، به نفی همه سنت‌ها، بدون توجه به فرهنگ اسلامی حاکم بر جامعه پرداختند (کاتوزیان، ۱۳۷۴: ۱۷).

* رضاشاه، بر اساس نظریه‌های نوسازی منطبق با الگوهای غربی، به تغییر شهر تهران (تغییر معماری شهری، ورود وسایل نقلیه، ایجاد ساختمان‌های بزرگ و گسترش بوروکراسی، خیابان‌های عریض و میدان‌های بزرگ و ...) همت گذاشت و نوسازی شهر تهران را رقم زد.

* میراث رضاخان برای تهران، مداخله وسیع او در بافت کهن این شهر است. مجموعه شهری تهران در اوایل دوره رضاخان، تقریباً همانی است که در دوره ناصری بود.

* این دوره با اندیشه‌های ترقی‌جویانه مشروطیت همراه است و از جهات سیاسی، ایران شاهد اولین تقسیمات قانونی و رسمی کشوری است.

* در آبان‌ماه سال ۱۳۱۶ هجری شمسی «قانون تقسیمات کشوری و وظایف فرمانداران و بخشداران» به تصویب رسید که در آن کشور به ۶ استان و ۵۰ شهرستان تقسیم شد و شهر تهران در بین استان‌های شمال شامل گیلان، مازندران، تهران، اصفهان، مرکزی، زنجان و سمنان فعلی قرار گرفته بود (محرمی و مهربان، ۱۳۸۵: ۱۱).

- نوسازی و توسعه شهری تهران زیر سایه قدرت‌های خارجی (توسعه وابسته)

* دگرگونی‌های جهانی سال‌های آخر قرن نوزدهم و آغاز قرن بیستم دلایل دولت جدید، برای نوسازی تهران به هر قیمتی است. این نوسازی، بیشتر تغییر فضایی ترکیب شهری را در پی می‌گیرد (حبیبی، ۱۳۶۸).

* استقرار ثبات سیاسی‌ای در تهران که منافع عمده محلی و منطقه‌ای امپراتوری بریتانیا را به مخاطره نیندازد (آروی و همکاران، ۱۳۷۱: ۱۴-۱۵).

* دولت، هرگونه جنبش و فعالیت سیاسی به‌خصوص از سوی گروه‌های چپ را در شهر تهران، به شدت سرکوب کرد و در برخورد با فعالیت‌های کمونیستی در ایران، اقدامات جدی و سخت‌گیرانه داشت (زیباکلام، ۱۳۸۳: ۶۰).

* در دوره رضاشاه روابط بین‌المللی تهران، دچار فراز و نشیب‌هایی شد.

* در دوره زمامداری رضاشاه، ایران رابطه نزدیکی با کشور آلمان برقرار کرد، به طوری که این کشور به بزرگ‌ترین شریک تجاری تهران تبدیل شد و بیش از سه هزار کارشناس آلمانی در ایران استقرار یافتند (دانیل^۱، ۲۰۰۱). این افزایش رابطه با آلمان باعث تیرگی روابط با انگلیس و شوروی شد و یکی از علت‌های حمله این دو کشور در سال ۱۳۲۰ به تهران، پایتخت ایران شد (دنوو^۲، ۱۹۶۳).

* عنصر اصلی جهان‌بینی ایرانیان در ۲۵ سال اول قرن بیستم، عقیده به این مطلب بود که کشور در منگنه‌رهایی‌ناپذیر فشارهایی قرار دارد که از سوی دو قدرت رقیب، یعنی بریتانیا و روسیه اعمال می‌شود (آروی و همکاران، ۱۳۷۱: ۴-۵).

* در جریان جنگ جهانی اول اهمیت استراتژیک ایران برای کشورهای غربی بیش‌ازپیش روشن شد. بدین‌منظور برای انتقال سریع نیروهای انگلیسی، خط راه‌آهن سراسری از شمال به جنوب ایران احداث شد (۱۳۱۷ ه.ش).

- در پیش گرفتن تغییر و تحول محلات، سنت شهری و معماری تهران

* در سال‌های آغازین سلطنت رضاشاه که پوشش شهرنشینی شکل تازه‌ای به خود گرفته بود، جمعیت شهر تهران بار دیگر رو به فزونی نهاد. از این رو دست‌اندرکاران به فکر گسترش بناهای شهر افتادند.

* در سال ۱۳۰۹ شهردار وقت که خواهان نوسازی و توسعه شهر تهران بود، بدون توجه به اهمیت تاریخی حصارها، برج و بارو و دروازه‌ها، آن‌ها را ویران کرد. اما محله‌های پیرامون این دروازه‌ها باقی ماند. از میان محله‌های باقی‌مانده می‌توان محله سنگلج، چال میدان، خانی‌آباد، گود زنبورک‌خانه، پاچنار، دروازه قزوین، عودلاجان و... را نام برد.

* مداخله ارادی و شهرسازانه در محیط شهری، بیشتر تأثیر ایجاد بازار جهانی بود که نه شکل‌بندی اجتماعی-اقتصادی حاکم، برایش معنا دارد و نه سیمای مادی آن یعنی شهر. از این سبب، ساخت شهری از طریق مداخلات دستگاه سیاسی صورت می‌پذیرد و نه از طریق دگرگونی‌ها و جنبش‌های اجتماعی (حبیبی، ۱۳۶۸)

* در سال ۱۳۰۹، درحالی‌که تهران هنوز در میان حصار هشت‌ضلعی ناصری می‌زید، نقشه‌ای مفصل برای گسترش و توسعه شهر تهیه می‌کنند. این طرح از نظر کاربرد الگوی تقارن در کل ساختار شهر و تکرار و تعمیم آن از سطح خیابان‌های اصلی تا معابر و اجزای فرعی به الگوهای شهرسازی قرن نوزدهم اروپا شباهت دارد (حبیبی و همکاران، ۱۳۸۹).

* طرح توسعه تهران با دگرگون کردن بافت قدیمی شهر، به چیزی شکل می‌دهد که بعدها سوداگری زمین به آن تحقق می‌بخشد. این طرح اولین مداخله ارادی در یک مجموعه شهری است که در ایران رخ می‌دهد (حبیبی، ۱۳۶۸).

* شهر تهران که قبل از این، معنایی داشت اکنون شکلی از شهر صنعتی است. به همان‌گونه‌ای که زندگی شهری و از آن راه، شهر به وسیله خواست‌های بیگانه مورد سؤال قرار می‌گیرد. به همان‌گونه زندگی سنتی از طریق روابط جدید اقتصادی-اجتماعی وارداتی مورد شک واقع می‌شود.

* طرح ۱۳۱۰، یک طرح عرضی است که بر یک خواست اقتصادی برون‌زا و وابسته متکی است و با جامعه هدف، یعنی شهر تهران، ارتباطی ندارد و می‌تواند در هر نقطه‌ای دیگر در جهان به اجرا در آید و انتخاب تهران آن را توجیه نمی‌کند (حبیبی، ۱۳۶۸).

* با تصویب «قانون بلدیة» اولین طرح تهران تحت عنوان «نقشه خیابان‌ها» در ۱۳۰۹ به اجرا در می‌آید. خیابان‌های جدید کشیده شده (بوذرجمهری و خیام) و مسیرهای اصلی کهن عریض می‌شوند. عملی که با تصویب قانون ۱۳۱۲ سرعت بیشتری می‌یابد.

* تخریب دیوارهای تهران قدیم از ۱۳۱۱ شروع می‌شود و سال‌های بعد خیابان‌های عریض کمربندی جانشین دیوارها می‌شوند. در این زمان (۱۳۱۲) تهران بیش‌ازپیش گسترده می‌شود، اکنون سطح آن ۴۶ کیلومتر مربع یا به عبارتی ۱۱ برابر بزرگ‌تر از دوره فتحعلی‌شاهی و ۲/۵ برابر بزرگ‌تر از آنی است که در دوره ناصری بود (حبیبی، ۱۳۶۸).

- * دانشگاه، بیمارستان پانصد تخت‌خوابی، ایستگاه راه‌آهن، کارخانه چیت‌سازی ری و ... از دیگر عملکردهای جدیدی هستند که در شمال و جنوب شهر توزیع می‌شوند. این چنین و بنا بر طرح ۱۳۱۶، تهران اولین توسعه خویش را در ورای باورهای قدیمی تجربه می‌کند (حبیبی، ۱۳۶۸).
- * پس از تصویب طرح ۱۳۱۶، شکل جدیدی از فضای معماری در دستور کار قرار می‌گیرد، این نوگرایی، به‌وسیله ضوابط پیش‌آمدگی در معابر، در سال ۱۳۱۸ تأکید می‌شود. بقایای این شکل جدید معماری، امروزه نیز در عبور از خیابان‌های مرکز تهران دیده می‌شود (حبیبی، ۱۳۶۸).
- * راه‌آهن به دست مهندسان آلمانی، انگلیسی، آمریکایی، بلژیکی و چند کشور دیگر ساخته شد. صنایعی نظیر کارخانه‌های قند و شکر، نساجی، دخانیات، سیمان، برق و غیره نیز تا پایان این دوره به بهره‌برداری رسید. این کارخانه‌ها عموماً توسط خارجی‌ان تأسیس شدند (مکی، ۱۳۷۴؛ آروی و همکاران، ۱۳۷۱: ۳۴).
- * در این دوران با اختصاص بودجه‌های کلان دولتی، کارخانه‌هایی مدرن مانند قند و شکر، محصولات نخی و ابریشمی، مصالح ساختمانی، شیشه، کبریت و محصولات چرمی تأسیس شدند و انقلاب کارخانه‌ای در ایران آغاز شد (مشروح مذاکرات مجلس ملی، مجلس ششم، جلسه ۱۲۳، ۲ تیر، ۱۳۰۶).
- * طی سال‌های ۱۳۰۴ تا ۱۳۲۰ جاده‌های کشور از ۳۲۰۰ کیلومتر به ۲۲۴۰۰ کیلومتر افزایش یافتند (مشروح مذاکرات مجلس ملی، مجلس ششم، جلسه ۶۶، ۳۰ بهمن، ۱۳۰۵).
- * در سال ۱۳۰۴ شمسی، کمتر از بیست کارخانه صنعتی جدید در کشور وجود داشت. اما در سال ۱۳۲۰ شمسی، شمار کارخانه‌های مدرن به ۳۴۶ رسیده بود. به دنبال افزایش تعداد کارخانه‌ها، شمار کارگران غیرسنی نیز فزونی یافت. تعداد کارگران صنعت نفت و کارخانه‌های بزرگ و کوچک مدرن، شیلات خزر، راه‌آهن، معادن ذغال سنگ، کارگران فصلی بخش ساختمان‌سازی در مجموع به بیش از ۱۷۰/۰۰۰ نفر رسید. این رقم به معنای پیدایش یک طبقه کارگر جدید بود. نخستین نسل کارگران صنعتی از مناطق روستایی آمده بودند (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۱۸۳).
- * علاوه بر تأسیس اداره ثبت‌احوال، تصویب قوانین و انجام سرشماری در شهرهای مختلف ایران، در دوره رضاشاه، اقدامات دیگری نیز در ارتباط با مسائل جمعیتی رخ داد که از آن جمله می‌توان به بررسی و اصلاح قوانین ثبت اسناد و املاک اشاره کرد (ملک‌زاده و عزیززاده بیرجندی، ۱۳۹۰).
- * یکی از عوامل دیگر که در تحولات کالبدی شهر تهران مؤثر بود تسهیلات قانونی است. در این دوره قانون بلدی در ۱۳۰۹ و قانون تعریض و توسعه معابر و خیابان‌ها در سال ۱۳۱۲ تدوین و تصویب شد. با به اجرا درآمدن این قوانین، تهران، شهر کوچک پایان قرن ۱۹، صحنه مداخلات شهری پیاپی و وسیعی می‌شود (حبیبی، ۱۳۶۸).
- * بر طبق قانون بلدی، اقدامات شهرسازی (احداث معابر، ساختمان‌های جدید و...) جنبه قانونی دارد و محلی مناسب برای مداخلات سنگین در بافت‌های کهن شهری را فراهم می‌کند.
- * با تصویب قانون در تعریض و توسعه معابر و خیابان‌ها در سال ۱۳۱۲ ه.ش اقدامات دولت و عملیات تعریض و خیابانگی تشدید شد.
- * در سال ۱۳۱۶ طرح جدید تهران که تحت تأثیر جریان بین‌المللی (جنبش مدرن) الگوی شهر صنعتی تونی گارنیه است، را داریم. این طرح زندگی شهری موجود را نادیده گرفته است و در عین حال پیشنهاد دگرگونی آن را از طریق تغییر کالبدی شهر دارد (حبیبی، ۱۳۷۵؛ ۱۳۶۹).

- * با شکل‌گیری سازمان‌هایی مانند بلدیه و نظمی که روابط تنگاتنگی نیز با یکدیگر داشتند، روابط و موقعیت مردم و حکومت سامانی نو یافت و طبقات اجتماعی نوینی در شهر تهران ایجاد شدند.
- * نگاه انتظامی در اداره کردن بلدیه به علت مقاومت اجتماعی مردم در برابر طرح‌های بلدیه و ناهمگون بودن اقدامات بلدیه با ساختار اجتماعی و ضربتی بودن آن‌ها بود و به همین دلیل بود که امور شهری به افراد نظامی واگذار شد و مسائل و مشکلات سیاسی و امنیتی با امور شهری درهم آمیخته شد (پشتکوه، ۱۳۹۲).
- * خیابان‌ها به عنوان محمل پیاده شدن طرح‌های شهری این دوره، چنان واجد اهمیت‌اند که نخستین نقشه دگرگونی تهران در سال ۱۳۰۹ به عنوان «نقشه خیابان‌ها» شناخته می‌شود.
- * در مقوله معماری مسکونی ایران در دوره پهلوی اول به خاطر وسعت و ابعاد مختلف سکونت در ایران و به علاوه طبقات مختلف اجتماعی (نظیر شاهزادگان، صاحب‌منصبان، روشنفکران و تحصیل‌کردگان از خارج آمده، تاجر، ثروتمندان، کارمندان شاغل، طبقه عامی و پیشه‌وران) پراکندگی وسیعی را در نوع ساخت معمارانه می‌توان مشاهده کرد (سعیدنیا، ۱۳۷۰).
- * سبک‌های معماری این دوره عبارت بودند از: نخست: سبک سنتی که از نیمه دوم سلطنت قاجاریه توسط گروه‌های میانه جامعه در ساخت خانه‌ها و سکونتگاه‌ها استفاده شده است. دوم: سبک باستانی که اصطلاحاً ملی نیز گفته شده است و توسط کار به دستان دولتی و شیوه معماری ایران قبل از اسلام و گاه ایران و اسلامی مقدم به کار گرفته که مهم‌ترین بناهای این نوع شهربانی کل کشور، بانک ملی ایران و موزه ایران باستان است. سوم: سبک کلاسیک اروپایی است که توسط شهرداری یا دولت در پاره‌ای میدان‌ها از آن میان میدان حسن‌آباد باقی مانده است. چهارم: سبک نوین اروپایی است که گاه صیغه آلمانی آن فزونی دارد و در پاره‌ای بناهای دولتی و فرنگی به کاررفته است که نمونه‌های بارز آن کاخ دادگستری، دانشگاه تهران، ژاندارمری کل کشور جزء این‌هاست (حبیبی، ۱۳۸۲، ۱۳۶۸).
- * در پایان دوره قاجار در آستانه حکومت جدید تعداد محلات تهران به ۱۰ محله رسید. علاوه بر محله‌های بازار و عودلجان، چاله میدان، سنگلج، دولت و ارگ، محله‌های حسن‌آباد، قنات آباد، قاجاریه و شهرنو در داخل حصار و در جوار محله‌های قدیمی رشد یافتند. در این دوره بافت شهر تقریباً در تمام سطح شهر یکسان بود و تفاوت و اختلافی بین محلات دیده نمی‌شد. در هر محله یکی از رجال مملکتی ساکن بود و سلسله‌مراتبی از پایین طبقات در آن وجود داشت و به این ترتیب در هر محله‌ای یکی از رجال مملکتی سکنی داشت. خدمه و نزدیکانش در اطراف خانه او متمرکز بود و محله اعیان‌نشین از فقیرنشین جدا نبود (حبیبی، ۱۳۷۵).
- * از لحاظ کالبدی، با آغاز ساخت و ساز بناهای جدید دولتی در کنار بافت قدیمی، هویت تهران که تا چندی پیش در محلات قدیمی تعریف می‌شد، معنایی دیگر به خود گرفت و مردم دیگر هویتشان را نه با محله که با توجه به شغل اداری و سازمانی خود تعریف می‌کردند. شکل‌گیری فضاها و بناهای نوظهوری چون بانک، بیمارستان، پادگان، نظمی، هتل، کارخانه و... و همچنین پهنه‌های اداری، نظامی، صنعتی و... از تبعات چنین تغییراتی بودند (پشتکوه، ۱۳۹۲).
- * دوگانگی در سیاست شهری نظام سنتی جدید تهران به خوبی مشهود بود. شهر سنتی چون در میان حصار احاطه شده بود، مانعی بود در راه گردش سریع کالا و آمدو شد اشخاص. لذا تدبیر اتخاذ شده مشتمل بر احداث دو محور

شمالی - جنوبی و شرقی - غربی بود. عملکردهای شهری جدید در هسته کهن شهر جای گرفت و ساختمان‌های محله قدیمی ارگ تقریباً به‌طور کامل خراب شدند و جای آن را عمارات جدید دولتی گرفت. دو خیابان چلیپایی، معروف به خیابان‌های رضاخانی (خیام و بوذرجمهری) شکل نهایی خود را یافتند. محله سنگلج کاملاً ویران شد و به‌جای آن پارک شهر احداث شد (حبیبی، ۱۳۷۵).

* در این دوره با افزایش قابل‌توجه وسایل نقلیه ماشینی روبرویم. تغییر شکل حمل‌ونقل، تأثیر به‌سزایی در معماری و محیط شهری گذاشت.

* گسترش ساختمان‌سازی در دوره پهلوی اول با افزایش چشمگیر مصالح ساختمانی همراه بود. درحالی‌که تا قبل از این دوره بیشتر بناها با خشت خام، کاه‌گل یا آجر پخته ساخته می‌شدند. در این دوره تأسیس کوره‌پزخانه‌های تولید انبوه آجر در اطراف شهرها را شاهد هستیم. استفاده از مصالح و روش‌های ساختمان‌سازی جدید، رشد معماری و گسترش خانه‌های شهری را در پی داشت.

* در ابتدا مراکز قدرتی مانند وزارتخانه‌ها و ادارات در محل سابق مرکز سیاست ارگ مستقر بودند. اما برای قرارگیری سایر مراکز حکومتی مکان بزرگ‌تری، میدان مشق در شمال خیابان مریض‌خانه در نظر گرفته شد. این مکان به‌منظور استقرار اماکن دولتی در نظر گرفته شد. که به‌تدریج در قسمت جنوبی آن در کنار خیابان سپه، اداره پست (۱۳۱۱ش) در شرق میدان مشق کاخ شهربانی (۱۳۱۴ش)، در شمال وزارت جنگ و در کنارش هنرستان دخترانه (۱۳۱۵) و در شمال غربی، کاخ وزارت امور خارجه (۱۳۱۸ش) و باشگاه افسران در جنوب غربی میدان مشق موزه ایران باستان (۱۳۱۱ش) و کتابخانه ملی و در شمال شرقی میدان در امتداد جبهه شمال کاخ شهربانی و عمارت ثبت‌واحوال به‌وجود آمدند (سعیدنیا، ۱۳۷۰).

* در این دوره، عوامل متعددی باعث شدند که معماری دچار تحول و دگرگونی اساسی شود. این عوامل که از خاستگاه جهانی برخوردار بودند، به‌صورتی فراگیر بر تمام ابعاد زندگی مردم شهری تهران اثر گذاشتند.

- تغییرات اجتماعی و فرهنگی بی‌سابقه در شهر تهران

* دوره پهلوی اول را تهران با جمعیتی در حدود ۲۵۰۰۰۰ نفر آغاز کرد. جمعیت تهران در سال ۱۳۰۱ (ه.ش) حدود ۲۱۰ هزار نفر بود. در سرشماری سال ۱۳۱۱ این جمعیت به ۳۰۰ نفر و در سال ۱۳۱۸ به ۵۴۰ هزار نفر رسید.

* افزایش جمعیت شهر تهران از آغاز حکومت رضاخان، تا پایان حکومت او، که به حدود سه برابر (۷۰۰ هزار نفر) افزایش یافت (حبیبی، ۱۳۶۸) به یکی از عوامل بحرانی شهر تهران تبدیل شد و باعث فاصله زیاد بین جمعیت و تولید معماری شد.

* با رشد جمعیت، تلاش بیشتر به‌منظور تولید مصالح ساختمانی گرفته تا بناهای موردنیاز فراهم شد.

* از لحاظ اجتماعی و سیاسی دوره انتقال از نظام فئودالی و حاکمیت چندگانه به حاکمیت متمرکز و از نظر فرهنگی مذهبی دوره برخورد ارزش‌های سنتی و مذهبی با فرهنگ وارداتی غربی و غیردینی و از جنبه اقتصادی دوره تکوین صنایع جدید بود.

- * در این دوره شهرسازی جدید با تخریب آنچه موجود بود مانند دروازه‌ها و حصار شهر و سکونتگاه‌ها و میدان‌ها و پاتوق‌های سنتی آغاز شد و شهر تهران روزبه‌روز توسعه یافت و بر جمعیت آن افزوده شد.
- * مجموعه‌های ساختمانی به کمک مهندسين خارجي و داخلي بنا شد که به سبک معماری رضاشاهی معروف است، مانند ساختمان‌های بانک ملی و وزارت دارائی، شهربانی و پست‌خانه و امثال آن.
- * از نظر فرهنگی- مذهبی قانون اعزام محصل به خارج و تشکیل مدارس و دانشگاه‌ها با تمرکز امور دولتی و بازرگانی، عامل اصلی جلب جمعیت از سراسر کشور به تهران شد (سازمان آمار و اطلاعات و خدمات کامپیوتری شهرداری تهران، ۱۳۸۵).
- * شهرداری تهران و سازمان برنامه‌بودجه، عاملین اصلی تغییرات فراوان در سیمای شهرنشینی و تبدیل تهران به یک پایتخت در حال رشد بودند.
- * وسعت شهر تهران پیش از پر کردن خندق رو به فزونی گذاشته بود و به‌ویژه از سوی شمال و مغرب بیشتر توسعه می‌یافت، طوری‌که به سال ۱۳۰۸ شمسی بیش از ۲۴ کیلومتر یعنی ۶ برابر تهران در زمان فتحعلی‌شاه و ۶ کیلومتر مربع بزرگ‌تر از زمان ناصرالدین‌شاه شد. این وسعت تا سال ۱۳۱۲ و ۱۳۱۳ به میزان ۱۱ مرتبه از تهران زمان فتحعلی‌شاه و ۲/۵ مرتبه از تهران عهد ناصری بزرگ‌تر است (کریمیان، ۱۳۵۵).
- * مهم‌ترین وجه مشخصه این دوره در شهر تهران، ایجاد سازمان‌ها و نهادهای مدرن بود تا قادر باشند توسعه و ترقی را رقم بزنند.
- * تجددطلبی و نوگرایی برای خلق آرمان‌شهر تهران، همانند پایتخت‌های کشورهای پیشرفته، ذهنیت تحول‌شهری را در تهران به‌وجود آورد.
- * ظهور فعالیت‌ها و عملکردهای جدید شهری در تهران زمینه را برای کاربست مفاهیم مدرن فراهم ساخت. به این دلایل است که دگرگونی‌های بنیادین در تهران از سال ۱۳۰۰ به بعد ایجاد شده است.
- * سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ که در پی آن خندق‌ها و دروازه‌ها از میان برداشته شد و شهر از چهارسوی رو به گسترش نهاد و اندکی شکل منظم و هندسی یافت. همچنین ساختمان‌ها و تأسیسات بانک ملی (از آن میان ساختمان صندوق بانک ملی ایران)، وزارت امور خارجه، شهربانی کل کشور، ایستگاه راه‌آهن، دانشگاه تهران، ایستگاه فرستنده رادیو تهران، باشگاه افسران و چند بیمارستان مربوط به این دوره است.
- * با تمرکز یافتن فعالیت‌های سیاسی، اداری و اقتصادی در تهران، شهر تهران به شکل جدیدی در آمد که نقش آن در پوشش دادن به کل کشور به دوچندان افزایش یافت. این تغییرات همراه شد با تخریب ارگ قدیم و احداث وزارتخانه‌های جدید در آنجا، میدان مشق و میدان توپخانه نیز به مرکز کاربری‌های اداری مبدل شد (بمانیان، ۱۳۸۵).
- * در واقع دگرگونی بسیار عمیقی که سرنوشت شهر (تهران) را بسیار تحت تأثیر قرار می‌دهد، برپایی یک دولت دیوان‌سالار مرکزی است. این لحظه در تاریخ معاصر سیاست شهری ایران بسیار معنادار است. دستورالعمل، از این پس «دگرگون کردن شهر» است. شهر معنای تاریخی خود را از دست می‌دهد و مفهوم اروپایی آن به‌کار گرفته می‌شود (حبیبی، ۱۳۶۸).

* ظهور دیوان‌سالاری جدید به‌عنوان یکی از وجوه مهم شهرنشینی تهران شد که بر سازمان اجتماعی شهر تأثیرات زیادی به‌جا گذاشت و در دوران پهلوی اول بود که با پیوستن خیل دیپلمه‌ها و تحصیل‌کرده‌های مدارس جدید به این سیستم، طبقه دیوان‌سالار جدیدی در جامعه به‌وجود آمد (پشتکوه، ۱۳۹۲).

* شکل‌گیری رسمی کتابخانه ملی به سال ۱۳۱۶ بازمی‌گردد.

* در دوره رضاشاه همگام با تمرکز اداری در تهران وظیفه اداری از وظایف مهم پایتخت می‌شود. پس قشر جدیدی به‌نام کارمندان دولت در اجتماع به‌وجود می‌آیند که از امتیازات خاصی برخوردار بودند و از طرفی با بازرگانان و تجاری روبرو هستیم که از سرمایه‌گذاری خارجی روزبه‌روز به درآمدشان افزوده می‌شود، همچنین اشراف و بزرگان قدیم مملکتی که سابقاً به‌طور پراکنده در محلات شهر در کنار مردم می‌ایستادند و به سکونت در مکان خوش آب‌وهوا و خلوت تمایل داشتند و به‌دلیل زیادشدن وسیله نقلیه سواره و همچنین خیابان‌های دیگر نیازی به نزدیکی محله‌های سکونت و کار نبود. در نتیجه این افراد به‌سمت شمال شهر مهاجرت می‌کنند. این مهاجرت و جابه‌جایی جمعیتی و فضایی محلات تهران را به محلات فرادستان و فرودستان (شمال و جنوب) اجتماعی تبدیل کرد (سعیدنیا، ۱۳۷۰؛ حبیبی، ۱۳۸۲).

* به‌این ترتیب پس از انقراض سلسله قاجار، امور مملکتی در پایتخت متمرکز شد و تعداد کارکنان دولتی در شهر به‌سرعت افزایش یافت و شهر تهران علاوه‌بر دو وظیفه قبلی (سیاسی و تجاری)، وظیفه جدید که وظیفه اداری بود را نیز تقبل کرد.

* با تأسیس مراکز قدرت اداری همچون وزارتخانه‌ها، سازمان‌های مرکزی، ادارات مختلف و بانک‌های متعدد که به تدریج احداث شدند، شکلی از بوروکراسی جدید در تهران به‌منصه ظهور رسید. در طراحی و ساخت این بناهای عظیم، به‌طور عمده از معماران و شهرسازان بیگانه استفاده شد و علاقه وافر به معماری و شهرسازی مدرنیسم دیده می‌شود.

* اولین بار عبارت «هجری شمسی» در تقویم رسمی سال ۴-۱۳۰۳ هجری قمری آمد (صیاد، ۱۳۷۵: ۱۱۱).

* در طی سال‌های ۱۳۰۷ تا ۱۳۱۴، قانون مدنی جدید به تصویب مجلس رسید (خلیلی خو، ۱۳۷۳: ۱۵۵). قانون مدنی پیرامون موضوعات عمومی بود و نقش مهمی در تنظیم روابط اجتماعی - اقتصادی و غیرمذهبی کردن جامعه داشت.

* در دوره پهلوی اول، دولت با تمرکز امور اقتصادی، درصدد نوسازی شیوه تولید صنعتی و کشاورزی در کشور برآمد و ساختار صنعتی با جهت‌گیری برای مصارف داخلی شکل گرفت.

* قوانین تجاری در سال ۱۹۲۵ (۱۳۰۴) و قوانین مدنی در سال ۱۹۲۶ (۱۳۰۵) اعلام شد. این قوانین ملهم از قوانین جاری در کشورهای فرانسه، بلژیک، سوئیس و ایتالیا و منتخبی از آن‌ها بود. در سال ۱۹۲۷ (۱۳۰۶)، وزارتخانه‌ای به نام وزارت عدلیه تشکیل شد (آروی و همکاران، ۱۳۷۱: ۳۵). سازمان امور مالیاتی کشور به دو قسمت مالی و اقتصادی تقسیم و به‌وسیله دو معاون و هفت مدیر اداره می‌شد.

* در دوره حکومت رضاشاه، آموزش اجباری رایگان به تدریج تحقق یافت. همچنین پس از تأسیس دارالفنون به دست امیرکبیر، در این دوره، مراکز ایرانی و دولتی آموزش عالی مانند دانشگاه تهران تأسیس شد (استفانی، ۱۳۹۳). در این دوران به تدریج آموزش رسمی، تحت یک نظام هماهنگ، زیر نظارت دولت قرار گرفت.

- * در دوره پهلوی اول با توسعه مراکز آموزشی، برپایی مؤسسات آموزش عالی و اعزام محصل به خارج، تلاش گسترده‌ای برای توسعه آموزش نوین و تغییر نظام تعلیم و تربیت در کشور به اجرا درآمد (صدیق، ۱۳۱۹: ۳۳۸).
- * اولین مرکز آموزش عالی ایران با نام هنرسرای عالی به وسیله متخین آلمانی به عنوان یک مدرسه فنی و تربیت در تهران شروع به کار کرد (۱۳۰۸) و به دنبال آن دانشگاه تهران در ۱۳۱۳ شمسی پایه‌گذاری شد. در مهرماه ۱۳۱۷، در وزارت پیشه و هنر، مدرسه‌ای به نام مدرسه عالی معماری در محل مدرسه عالی کمال‌الملک افتتاح و برنامه‌های آموزشی خود را شروع کرد.
- * تأسیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی، به عنوان یک ضرورت فرهنگی برای پایداری و مصونیت زبان فارسی، در سال ۱۳۱۴ شکل گرفت و بنا بر اساسنامه، هدف از ایجاد آن حفظ، توسعه و ترقی زبان فارسی اعلام شد.
- * تأسیس سازمان پرورش افکار از دیگر اقدامات پهلوی اول در حوزه دفع مظاهر تمدن کهنه و گرایش به سمت تمدن مدرن بود. تأسیس این مرکز برای متمرکز کردن فعالیت‌های سازمان‌های فرهنگی و ایجاد هماهنگی میان آن‌ها در ۲۲ دی ۱۳۱۷ به تصویب هیئت وزیران رسید (نفیسی، ۱۳۴۴: ۱۴۵).
- * عده باسوادان ایرانی در سال ۱۹۴۱ (۱۳۲۰) بیش از سال ۱۹۲۱ (۱۳۰۰) بود، درحالی‌که عده کثیری از این افراد آنقدر آموزش دیده بودند که می‌توانستند به تقاضاها و فرصت‌های روزافزون چنین جامعه سریعاً درحال تحول، پاسخ دهند (آروی و همکاران، ۱۳۷۱: ۳۶).
- * تأسیس مدرسه دارالفنون در آغاز دوره ناصری و دانشگاه تهران در اواخر دوره پهلوی اول، هم‌زمان که به ترویج تجدد شهری در میان مردم کمک می‌کردند، سبب شکل‌گیری سازمان و طبقه جدیدی در جامعه شدند که روند شهرنشینی در تهران را تحت تأثیر خود قرار داد (پشتکوه، ۱۳۹۲).
- * در این دوره، شاهد پیشرفت قابل‌ملاحظه زنان، بالاخص زنان طبقه متوسط و بالا در حیات عمومی جامعه هستیم. زنان سست شدن قیودی را که هنجارها و ارزش‌های سنتی بر آن‌ها تحمیل کرده بود به چشم دیدند. آن‌ها اکنون این فرصت را در اختیار داشتند که در مشاغل جدیدی از قبیل پرستاری، آموزگاری و نیز در کارخانه‌ها به کار مشغول شوند. اصرار بر این بود که زنان از لحاظ آموزش، پوشش و فعالیت‌های اجتماعی از زنان غربی تقلید کنند و در سال ۱۹۳۶ (۱۳۱۵) پوشیدن چادر رسماً غیرقانونی اعلام شد (آروی و همکاران، ۱۳۷۱: ۴۳).
- * رضاشاه در ۱۷ دی‌ماه ۱۳۱۴ طرح کشف حجاب زنان را اجرا کرد (آروی و همکاران، ۱۳۷۱).
- * در جامعه تغییر شرایط زنان به عنوان حدود نیمی از جمعیت کشور از تأثیرگذارترین اقدامات دولت برای غربی سازی اجتماعی و فرهنگی کشور به شمار می‌آید. پیاده‌سازی این تغییرات به دلیل هدف گرفتن مهم‌ترین ارزش جامعه ایرانی یعنی محرمات و حریم خانواده از اصلی‌ترین مشکلات دولت‌های دوران سلطنت پهلوی اول بود (جعفری، ۱۳۷۱: ۴۴-۴۷).
- * لذا طی مهروموم‌های نخست‌وزیری، رضاشاه متوجه شد که برخی از ناآرامی‌ها را نمی‌توان با جنگ از بین برد. بنابراین، به سیاست روی آورد و با آوردن خان‌زادگان به تهران اسباب شهرنشینی آنان را فراهم کرد و آنان را از طغیان و مخالفت بازداشت (نجفقلی و معتضد، ۱۳۸۲؛ مکی، ۱۳۷۴).

* علاوه بر سامان دادن به وضعیت شهرها، دو ویژگی مهم دیگر سلطنت پهلوی اول، نوسازی‌های شهری را ضروری می‌کرد: ویژگی نخست، مربوط به ساخت قدرت است و ویژگی دوم، مربوط به گرایش حکومت به مدرن سازی جامعه بود.

* در این دوران مطبوعات تحت کنترل شدید دولت قرار گرفتند، بسیاری از روزنامه‌های مستقل تعطیل شدند و تنها روزنامه‌هایی که توجیه‌گر اقدامات و اهداف حکومت بودند، منتشر می‌شدند (عمیدی نوری، ۱۳۸۴: ۱۲۲).

* ادبیاتی که در این دوران شکل می‌گیرد به‌نوعی با فضای ایجادشده در دوران رضاشاه در تعامل است. بیشترین حجم اشعار این دوران مربوط به اشعار صنایع جدید است.

* به‌طورکلی در دوره رضاشاه وجه انتقادی داستان‌نویسی تضعیف می‌شود و جای خود را به شعارهایی درزمینه محکومیت عوارض اجتماعی زندگی در مواردی چون خودفروشی، رباخوری، بی‌عاری، ظلم به زنان و ... می‌دهد. در این دوره ادبیات و داستان‌نویسی تلخی و رخوت را ترویج می‌کند (عابدینی، ۱۳۶۶: ۵۰).

* خصوصیات کلی برخی از آثار رمان‌های اجتماعی این دوره را در این موارد می‌توان خلاصه کرد: پذیرش وضع موجود، توصیف وضع حقارت‌آمیز زنان، نمایاندن فساد، وجود نوعی ناتورالیسم و یأس و بدبینی نسبت به تغییر وضع موجود، رمانتیسیم و احساسات‌گرایی، انعکاس آمال و خواسته‌های طبقه متوسط تازه شکل‌گرفته و التقاط فکری (عابدینی، ۱۳۶۶: ۴۸).

۲. تحلیل ساختاری

این بخش به نحوه اتصال معنادار مقولات اشاره‌شده در بخش قبلی اشاره دارد تا یک خوانش تفسیری بر طبق آن‌ها ارائه دهد.

کودتای ۱۲۹۹ ه.ش، سرآغاز تغییراتی جدید در پایتخت شد تغییراتی که در سطح جهانی با رونق گرفتن مباحث مدرنیته و نوسازی همراه بود و شهر تهران نیز آن مقطع را با تغییرات اجتماعی و فرهنگی بی‌سابقه‌ای در کنار تغییرات ساختاری و کالبدی عظیم شروع کرد. با تثبیت دولت و امنیت عمومی در شهر تهران، دوره جدیدی در پایتخت آغاز شد. تحولات سریع اداری و صنعتی، چهره زندگی اجتماعی و سیمای کالبدی تهران را دگرگون و تهران را به یک شهر جدید با ساختاری مدرن مبدل کرد. درواقع، تغییر چشمگیر ساختار اجتماعی و اقتصادی تهران، چالش‌ها و واکنش‌های اجتماعی سریعی در پی داشت.

در سال‌های آغازین سلطنت رضاشاه شاهد مداخله ارادی و شهرسازانه در محیط شهری، ناشی از تأثیر ایجاد بازار جهانی هستیم که ساخت شهری در آن، از طریق مداخلات دستگاه سیاسی صورت می‌پذیرد و نه از طریق دگرگونی‌ها و جنبش‌های اجتماعی. از لحاظ سیاسی، در این مسیر باوجود میل رضاشاه به بریدن از انگلیس و روس، شهر تهران، در منگنه‌رهایی‌ناپذیر فشارهایی قرار دارد که از سوی

دو قدرت رقیب اعمال می‌شود و عوامل خارجی بیشترین نقش خود را در تغییرات اجتماعی شهر تهران برجای می‌گذارند.

در مقوله معماری مسکونی ایران در این دوره، به خاطر وسعت و ابعاد مختلف سکونت در تهران و به علاوه طبقات مختلف اجتماعی شکل گرفته، پراکندگی وسیعی در نوع ساخت معماری شهری دیده می‌شود. از مهم‌ترین وجه مشخصه‌های این دوره در شهر تهران، ایجاد سازمان‌ها و نهادهای مدرن بود تا قادر باشند توسعه و ترقی را رقم بزنند. شکل‌گیری فضاها و بناهای نوظهور به تعریف هویت جدیدی برای تهران منجر می‌شوند که دیگر هویتشان را نه با محله که با توجه به شغل اداری و سازمانی خود تعریف می‌کنند. تأسیس دانشگاه تهران و اجرای سیستم جدید آموزشی، به ترویج تجدد شهری و شکل‌گیری سازمان و طبقه جدیدی در جامعه کمک کرد که روند شهرنشینی در تهران را تحت تأثیر خود قرار دهد.

بزرگراه‌های تاریخی که در دوره رضاشاه در شهر تهران به‌عنوان پایتخت، نمود پیدا کرده‌اند، عبارتند از: کودتای ۱۲۹۹ ه.ش، تأسیس ارتش ملی، اجرای طرح جدید شهر تهران، اجرای قانون تقسیمات کشوری، اجرای سیاست‌های رشد شهرنشینی و جمعیت شهری، ایجاد سازمان‌ها و نهادهای مدرن (ظهور دیوان‌سالاری جدید)، ایجاد سیستم آموزشی جدید، اجرای قانون بلدی، شکل‌گیری معماری جدید شهر (تغییرات کالبدی) و تغییر سبک زندگی.

وظیفه دولت در شهر تهران، دگرگون کردن شرایط زندگی و روابط اجتماعی به سمت نوسازی و مدرنیته به هر قیمتی بود. در این بین، نیروهای اجتماعی یا نیروهای تأثیرگذار صرفاً نقش مجری و مأمور را داشتند و این دولت است که سکان حاکمیت شهر تهران را به سمت مدرنیته بر عهده دارد و نیروهای اجتماعی سهمی در نحوه پیشبرد شهر تهران به سمت نوسازی ندارند.

باتوجه به سؤالات مقاله می‌توان چنین تحلیل ساختاری را ارائه کرد که: شهر تهران در سایه اثرگذاری قدرت‌های جهانی و خواست دولت، گذر و تحول شهرنشینی را آغاز کرده و طرح‌های شهری و محلی را برای تغییر محلات و ورود به مدرنیته به‌کار گرفته است. در این مسیر فرهنگ و آداب مردم تهران نیز به تبع توسعه امکانات، صنعت و خدمات، مهاجرت، تمرکزگرایی آموزشی، سیاسی و فرهنگی و ... رو به تغییر نهاده و بار اصلی تغییر متوجه سنت‌های کهن شهری تهران شده که فرهنگ غربی بر آن‌ها غلبه کرده است. با این حال، شهر تهران پیشگام اولین ورود همه‌جانبه به مدرنیته و نوسازی در ایران بوده است.

۳. تفسیر کل

در این بخش هدف ارائه فهم جامعی از یافته‌های تحقیق در اثر تأمل درباره خوانش اولیه در امتداد با خوانش تفسیری است.

باتوجه به این توضیح می‌توان گفت که: نوسازی در این دوره به تمام ابعاد زندگی اجتماعی مردم شهر تهران رسوخ کرده است و ما شاهد گسترش طرز تفکر و نحوه سلوک غربی در میان تمام طبقات و گروه‌های اجتماعی هستیم و در این راستا نیز دولت به اصلاحات گسترده‌ای در شهر دست زده است و خود را وارث ضرورت تاریخی انجام نوسازی می‌داند. تهران از شهری کوچک به شهری پذیرای مدرنیته و عناصر و تشکیلات مدرن در دوره پهلوی اول تبدیل شده است. شهری که در صورت عدم دخالت قدرت‌های غربی (عقد قراردادهای ننگین، دخالت در حاکمیت و ...) می‌توانست با اتکا به نیروهای اجتماعی خود و ایجاد حکومتی طرفدار دموکراسی (که کاتوزیان (۱۳۷۴: ۱۴۵) اصطلاح «شبه مدرنیست مطلقه» را برای دولت رضاشاه به کار می‌برد) به رشد و توسعه پایدار و بهتری برسد.

در این مقطع تاریخی، اجرای طرح‌های توسعه و معماری جدید شهری، انجام تقسیمات کشوری شهرها، اجرای قانون بلدیة، گسترش جمعیت شهری، ظهور دیوان‌سالاری جدید و تبلیغ سبک زندگی غربی اساس حاکمیت شهر تهران و مدیریت آن را شکل داده است. ایجاد طبقات جدید شهری، ایجاد مشاغل جدید شهری، مدیریت جدید شهری (بلدیة)، ایجاد محلات جدید، گسترش شهرنشینی (با فوج عظیم مهاجرت به تهران)، افزایش سطح سواد، ثبت اسناد و املاک، امور مالیاتی جدید، گسترش راه‌آهن و سیستم حمل‌ونقل هوایی از جمله تغییرات این دوره است که باتوجه به نحوه اجرای این تغییرات که به شیوه دیکتاتورمآبانه و از سطوح بالا به پایین صورت گرفته بود و زمینه اعلام نظر و مخالفت اجتماعی را به حداقل می‌رسانید، با واکنش اجتماعی برخی از نویسندگان، روزنامه‌نگاران و علما روبرو می‌شد که با برخی برنامه‌ها و طرح‌های موجود در شهر به مخالفت می‌پرداختند.

فهم جامع از شهر تهران در دوره تاریخی پهلوی اول این است که: در شهر تهران در اواخر قرن نوزده و اوایل قرن بیستم، خواست و پذیرش نوسازی و مدرن شدن فراهم شده بود و این با امنیت و آرامش شکل‌گرفته توسط دولت پهلوی اول شروع و با ایجاد امکانات و طرح‌های توسعه و معماری شهری (اکثراً اقتباس‌گرفته از غرب) پیگیری شد. از لحاظ ساختاری و فرهنگ شهری، تغییرات شگرفی در شهر تهران رخ داد و در اندیشه مردم شهری، شکل گرفتن تناقض ذاتی سنت و مدرنیته را باعث شد. در واقع، ورود به مدرنیته از طریق شهر، با شهر تهران در ایران صورت گرفت و مردم تهران، اثرات مثبت و منفی آن را برای اولین بار در کشور تجربه کردند. البته باید به نقش نیروهای خارجی نیز در حاکمیت تهران اشاره کرد که در کنار استفاده از امکانات نوسازی اقتباس‌شده از آن‌ها نظیر راه‌آهن و سیستم‌های

جدید مدیریت شهری و بوروکراسی و ...، اکثراً در نقش مانع (دخالت در حاکمیت شهری) بودند تا تسهیل کننده.

بحث و نتیجه گیری

گذر تهران از دوره قاجاریه به دوره پهلوی اول همراه با هرج و مرج و ضعف قدرت مرکزی بود. لذا همه منتظر حاکمیتی بودند تا کشور را از خطر ازهم گسیختگی برهاند. از این رو، کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ و ورود رضاخان با استقبال همه گروه‌های سیاسی و روشنفکران و ادیبان مواجه شد. در واقع شروع نوسازی جدید شهر تهران با یک کودتا شکل گرفت و بعد از تشکیل دولت جدید، با سرعت تغییر و تحول محلات شهری و تغییر فرهنگی شروع شد.

تهران در دوره پهلوی اول، شاهد تغییرات ساختاری و ایجاد دیوان‌سالاری مدرنی است که تا به حال در کشور سابقه نداشته است. شهر، دارای نظم می‌شود و طرح‌های شهری در آن به اجرا در می‌آیند. مراکز آموزشی مدرن، سبک مالیاتی جدید و در یک کلام طبقه جدیدی از مردم شهری شکل می‌گیرد. تغییر قشربنندی اجتماعی در شهر در اثر این تغییرات از ویژگی‌های اصلی این دوره است. در این دوره، شاهد شکل‌گیری طبقات بالا و پایین شهر یا شمال و جنوب هستیم که با خود، توزیع نامتناسب امکانات را نیز در بر دارد. نقش علمای مذهبی نظیر مدرس و برخی مخالف‌های او با طرح‌های حکومت، در کنار سازگاری برخی دیگر از علما با رضاشاه را نیز در شهر تهران می‌توان دید. از لحاظ تغییرات شهرسازی، در این دوره بسیاری بناها و ساختمان‌هایی به سبک جدید در شهر ساخته می‌شود تا نیازها و خدمات متناسب با رشد شهری را فراهم سازند. در واقع با توجه به نظریه‌های مکتب شیکاگو، شهر تهران، موجد بیشترین تأثیرات ساختاری بر زندگی مردم در طی این دوره بوده است که در طول تاریخ بی‌سابقه است.

این تغییرات گسترده تهران در بین سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ (مطابق جدول شماره ۱)، ساختار اجتماعی شهر را تغییر داد و در نتیجه پیدایش حرفه‌ها و مشاغل جدید و مهاجرت کارگران به نقاط دیگر، الگوهای دیرپای زندگی از هم گسیخت.

از لحاظ فرهنگی و اجتماعی تأثیرات فعالیت‌های رضاشاه را می‌توان در ادبیات آن دوره نیز دید. اقتضای زندگی جدید بعد از مشروطیت، به وجود آمدن شیوه‌های نوین در بیان ادبی بود. نوآوری‌های رضاشاه نیز شیوه‌های بیانی تازه‌ای می‌طلبید. بی‌شک مهم‌ترین حادثه شعری عصر رضاشاه تولد شعر نو نیمایی است.

شهر تهران، کاملاً به شبکه‌ای برای رفت و آمد تبدیل شده بود و خیابان‌ها و نمادهای دیوان‌سالاری در همه جای شهر وجود دارند و به تغییر کالبد محله‌ها می‌پردازند. در این دوران با جابه‌جایی بخش‌های

مختلف شهر مواجه هستیم و شکل معماری درون‌گرای ایرانی به حالت کاملاً برون‌گرای غربی مبدل شد. در پی سیاست‌های تجددگرایی رضاخان، در این دوره، شاهد شدت گرفتن هجوم فرهنگ غربی به شکل بی‌سابقه‌ای در تهران هستیم. این امر در معماری و شهرسازی با شروع ساخت مراکز غیردینی شکل گرفت. همچنین شاهد ساخت بناهای تفریحی با کاربری‌هایی نظیر کافه، سینما، تئاتر و هتل به رنگ و شکل غربی و الگو گرفته از معماری و شهرسازی غرب هستیم.

این تحولات با جابجایی‌ها و تنش‌های خانوادگی و شخصی عظیمی همراه بود، اما برای نخبگانی که به تازگی سر برآورده بودند، منافع مادی هنگفتی به همراه داشت (آروی و همکاران، ۱۳۷۱: ۳۶).

جدول ۱. برخی تغییرات اجتماعی شهر تهران در دوره پهلوی اول

<p>بهبود وضع آموزش و پرورش ساخت دانشگاه تهران کشف حجاب بهبود حقوق زنان و اقلیت‌های مذهبی بنیان‌گذاری دادگستری احیاء زبان فارسی به وسیله فرهنگستان زبان اجرای سیاست‌های رشد شهرنشینی و جمعیت شهری شهرنشینی جدید و حرکت جمعیت مازاد روستایی افزایش سریع تعداد کارکنان دولتی در شهر فاصله جامعه شهری از دو جامعه ایلی و روستایی</p>	<p>تغییرات فرهنگی و اجتماعی</p>
<p>طرح توسعه شهر تهران اجرای قانون بلدیة ساخت راه آهن تأسیس بانک ملی ایران و بانک کشاورزی ساختن راه ارتباطی با شمال ایران و بنای تأسیسات ساخت اولین فرودگاه مهم در کشور بنام فرودگاه مهرآباد ظهور فعالیت‌ها و عملکردهای جدید شهری شکل‌گیری اقتصاد که مربوط به صنعت نوپا در کنار اقتصاد سنتی بخشی از شهر تهران بود</p>	<p>تغییرات اقتصادی و زیرساختی و معماری</p>
<p>ظهور دیوان‌سالاری جدید تحکیم قدرت حکومت مرکزی تشکیل ارتش مدرن حذف روحانیون از امور سیاسی تمرکز امور مملکتی در پایتخت وضع تقسیمات کشور خاتمه دادن به شورش‌های ایلات و عشایر و حفظ تمامیت ارضی کشور ارتباط با غرب و نقش زیاد آن‌ها در حاکمیت</p>	<p>تغییرات سیاسی</p>

در همین دوران تغییر شرایط و عوامل اقتصادی، تغییراتی را در طبقات اجتماعی شهری ایجاد کرد. عامل سیاسی، در ابعاد اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی، خود بر روی هم پدیدآورنده بناها و ساختمان‌های جدید در بافت شهری تهران شدند. وزارتخانه‌ها در اطراف میدان ارگ استقرار یافتند و از آن طریق با بازار (مرکز اقتصاد) و نهادهای صنعتی و نیمه‌صنعتی اطراف تهران پیوند یافتند.

ظهور دیوان‌سالاری جدید نیز به‌عنوان یکی از وجوه مهم شهرنشینی، روند شهرنشینی در تهران را تحت تأثیر خود قرار داد. در نتیجه ایجاد دیوان‌سالاری‌های مدرن، ساختمان‌های بزرگ، خیابان‌های عریض، معماری‌های ترکیبی سنتی و مدرن، ایجاد نظم و امنیت و ... الگوهای شهرنشینی تغییر و تحول پیدا کرد و شهر تهران گام‌به‌گام وارد عصر مدرنیته می‌شد و اثرات آن را در شهر، زندگی شهری و افزایش جمعیت شهری می‌دید. در این مقطع، شهر تهران، توسعه خود را به‌طور کامل با شیوه اعمال برنامه از سطوح بالا به سطوح پایین شاهد است. توسعه‌ای که با نگاهی به غرب توسط عوامل داخلی شکل می‌گیرد و در برخی مواقع نیز با نابودی سنت‌های پیشین همراه است.

تغییرات اجتماعی شهر تهران در دوره پهلوی اول، طبق خوانش بومی (خوانش متون مرتبط با موضوع تا حد اشباع نظری و محتوایی به پیش رفته تا به برخی قضایا برسد و از آن‌ها در بخش تحلیل ساختاری استفاده شود) تمرکز بر عوامل و زمینه‌های تغییرات اجتماعی شهر تهران بود. در این راستا تحلیل ساختاری شهر تهران در دوره رضاشاه در چهار مقوله اصلی مطرح شد: تغییرات اجتماعی و فرهنگی بی‌سابقه در شهر تهران؛ در پیش‌گرفتن تغییر و تحول محلات، سنت شهری و معماری تهران؛ نوسازی و توسعه شهری تهران زیر سایه قدرت‌های خارجی (توسعه وابسته)؛ و شهر تهران، پیشگام اولین ورود همه‌جانبه به مدرنیته و نوسازی.

این ابعاد در واقع طرح چهار سؤال محوری این تحقیق را شکل دادند که به آن‌ها در تحلیل ساختاری پرداخته شد. با توجه به این سؤالات چنین تحلیل ساختاری ارائه شد که: شهر تهران در زیر سایه عوامل خارجی و با اهتمام نیروهای اجتماعی داخلی و دولت، گذر و تحول خود را به شهرنشینی مدرن شروع کرد. تغییر و تحولی که بیشتر با کالبد و تغییر معماری و زیرساخت‌های شهری آغاز و در ادامه با تغییر فرهنگ و سنت‌های بومی شهری تداوم یافت.

در مرحله تفسیر کل، به این نتیجه و فهم جامع رسیدیم که: شهرنشینی جدید در ایران، با محوریت شهر تهران شکل گرفت. شهری که چند دهه از شکل‌گیری آن نمی‌گذشت و با ایجاد نوسازی و طرح‌های توسعه شهری توسط دولت به تبعیت از قدرت‌های غربی، از لحاظ اجتماعی-فرهنگی و حتی سیاسی-اقتصادی تغییرات شگرفی رخ داد و تناقض جدیدی در بین اندیشه و تفکر مردم شهری در ارتباط بین سنت و مدرنیته شکل گرفت که در ادبیات آن عصر نیز مشهود است. در واقع مهم‌ترین تغییرات اجتماعی و رویارویی با ناشناخته‌ترین مسائل شهری، در این دوره بروز و نمود پیدا کرد.

ورود عناصر مدرنیته و تحولاتی که با اعمال قدرت و فشار از سمت دولت و توسط عوامل دولتی انجام شد و برخلاف دوره قاجاریه نقش پیران‌هایی نظیر امیرکبیر دیده نمی‌شود و این شخص پادشاه است که خواهان توسعه و پیشرفت است و آن را از طریق دولتمردان دنبال می‌کند. تغییراتی که مردم شهری، صرفاً پذیرندگان این تغییرات هستند و خودشان را با آن‌ها انطباق می‌دهند. در انتها چند پیشنهاد محتوایی ارائه می‌شود تا مورد استفاده تحقیقات بعدی قرار گیرد. پیشنهادها عبارتند از:

- آگاهی از نحوه ورود ما به مدرنیته به شکل جدید، از اهمیت بسیاری برخوردار است و این ورود از طریق شهر تهران صورت گرفته است. لذا لازم است مطالعات وسیعی از دیدگاه جامعه‌شناسی شهری در این ارتباط انجام شود.
- با توجه به محدودیت تحقیق، پیشنهاد می‌شود شهر تهران، از دیدگاه نظریه اقتصاد سیاسی با تمرکز بیشتر بر ابعاد اجتماعی مورد مطالعه قرار گیرد.
- اهمیت کارهای تاریخی، ارائه تصویری روشن و آگاهانه برای مطالعه درباره موضوعات جامعه‌شناسی شهری است، لذا پیشنهاد می‌شود در تمام تحقیقات جامعه‌شناسی شهری، حتماً به مباحث تاریخی موضوع نیز اشاره شود.

منابع

- آبراهامیان، یرواند (۱۳۷۷). *ایران بین دو انقلاب: درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران معاصر*. ترجمه: احمدگل محمدی. محمد ابراهیم فتاحی. تهران: نشر نی.
- آدینه‌وند، مسعود؛ فلاح توتکار، حجت؛ پورمحمدی املشی، نصراله؛ بهرام نژاد، محسن (۱۳۹۶). جایگاه و نقش زنان در نظام اداری ایران دوره رضاشاه (۱۳۲۰-۱۳۰۴ ش.). *فصلنامه علمی و پژوهشی «تاریخ اسلام و ایران»*، ۲۷ (۳۴).
- آروی، پتر؛ همبلی، گوین؛ ملویل، چارلز (۱۳۷۱). *سلسله پهلوی و نیروهای مذهبی به روایت کمبریج*. ترجمه: عباس مخیر، تهران، طرح نو.
- استفانی، کرونین (۱۳۷۷). *ارتش و حکومت پهلوی*. ترجمه: غلامرضا علی بابایی. تهران: نشر خجسته.
- استفانی، کرونین (۱۳۹۳). *رضاشاه و شکل‌گیری ایران نوین*. ترجمه: مرتضی ثاقب فر. تهران: نشر جامی.
- استوارت، ریچارد. ا. (۱۳۷۰). *آخرین روزهای رضاشاه*. ترجمه: عبدالرضا هوشنگ مهدوی و کاوه بیات. تهران: نشر نو.
- اقوامی قدم، عارف (۱۳۷۸). *شهر، شهرسازی و مدرنیسم در ایران ۱۳۲۰-۱۲۹۹ م.ش.* پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران. استاد راهنما: دکتر سیدمحسن حبیبی.
- اکبری، محمدعلی (۱۳۸۴). *تبارشناسی هویت جدید ایرانی (عصر قاجاریه و پهلوی)*. تهران: علمی و فرهنگی.

امینی، علیرضا و شیرازی، حبیب... ابوالحسن (۱۳۸۵). تحولات سیاسی اجتماعی ایران از قاجاریه تا استقرار رضاشاه. ج ۲، تهران: قومس.

بانک ملی ایران (۱۳۳۸). تاریخچه سی ساله بانک ملی ایران. تهران: بی‌نا.

بخشی‌زاده، حسن (۱۳۹۷). تبیین عوامل اجتماعی در دگرذیسی ساخت شهر اسلامی در دوره معاصر (موردپژوهی: تهران) شهر اسلامی ایرانی. رساله دکتری دانشگاه تهران.

بمانیان، محمدرضا (۱۳۸۵). عوامل مؤثر بر شکل‌گیری معماری و شهرسازی در دوره پهلوی اول. مدرس هنر، دوره اول، شماره ۱.

بهنام، جمشید (۱۳۸۳). ایرانیان و اندیشه تجدد. تهران، نشر و پژوهش فرزاد روز، ص ۵۹-۵۸.

پشتکوه، سحر (۱۳۹۲). طهران چگونه تهران شد؛ نگاه مقایسه‌ای به تهران در دوره‌های قاجار و پهلوی اول. نشریه معماری همشهری، شماره ۲۴.

جعفری، مرتضی؛ اسماعیلی، صغری، فرشچی، معصومه (۱۳۷۱). واقعه حجاب. تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.

حبیبی، سیدمحسن (۱۳۷۳). نخستین پژوهش‌ها در ایران. فصلنامه گفتگو، شماره ۵، ص ۱۰۰.

حبیبی، سیدمحسن (۱۳۸۳). از شار تا شهر. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

حبیبی، سیدمحسن (۱۳۹۰). شرح جریان‌های فکری معماری و شهرسازی در ایران معاصر. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

حبیبی، سیدمحسن (۱۳۸۲). از شار تا شهر. نشر دانشگاه تهران.

حبیبی، سیدمحسن؛ اهری؛ زهرا؛ امامی، رشید (۱۳۸۹). از فرو ریختن باروها تا اندیشه شاهراه‌ها؛ پیشینه طرح‌های شهری و انگاره‌های شهر تهران از ۱۳۰۹ تا ۱۳۴۵. نشریه صفه، بهار و تابستان، دوره ۲۰، شماره ۵۰، از ص ۸۵ تا ص ۱۰۲.

حبیبی، محسن (۱۳۶۸). دولت و توسعه تهران ۱۳۲۰-۱۳۰۴. مجله محیط‌شناسی، دوره ۱۵، شماره ۱۵، زمستان.

حبیبی، محسن (۱۳۷۵). تحول و گسترش تهران در زمان رضاشاه در تهران پایتخت دویست‌ساله. سازمان مشاور فنی و مهندسی شهر تهران و انجمن ایران‌شناسی فرانسه، تهران.

خلیلی‌خو، محمدرضا (۱۳۷۳). توسعه و نوسازی ایران در دوره رضاشاه. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.

زونیس، ماروین (۱۳۷۰). شکست شاهانه. ترجمه: عباس مخبر. نشر طرح نو.

زیباکلام، صادق (۱۳۸۳). تحولات سیاسی و اجتماعی ایران، ۱۳۲۲-۱۳۲۰. تهران: سمت.

سازمان آمار و اطلاعات و خدمات کامپیوتری شهرداری تهران (۱۳۸۵). اطلس تهران. شهرداری تهران.

سعیدنیا، احمد (۱۳۷۰). ساختار تهران در شهرهای ایران. به کوشش محمد یوسف کیانی، جهاد دانشگاهی.

سکویل-وست، ویتا (۱۳۷۵). مسافر تهران. ترجمه: مهران توکلی. ناشر و پژوهش فرزاد.

سیف‌پور فاطمی، نصرالله (۱۳۷۸). آیین عبرت خاطرات دکتر سیف‌پور فاطمی. به کوشش علی دهباشی. تهران: نشر سخن.

صدیق، عیسی (۱۳۱۹). تاریخ مختصر آموزش و پرورش. تهران: شرکت طبع کتاب.

- صفری، سهیلا؛ یوسفی فر، شهرام؛ شیخ نوری، محمدمامیر (۱۳۹۳). اعتراضات مردم به نوسازی شهری در دوره پهلوی اول (مطالعه اسناد عرایض مجلس شورای ملی - مجلس ششم تا هشتم تقییه). *تحقیقات تاریخ اجتماعی*، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی سال چهارم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۳، صص ۲۹ - ۶۰.
- طبری، احسان (۱۳۹۵). *جامعه ایران در دوران رضاشاه پهلوی*. تهران: نشر فردوس.
- عابدینی، حسن (۱۳۶۶). *صدسال داستان نویسی در ایران*، ج ۱. تهران: نندر، ۱۳۶۶.
- عمیدی نوری، ابوالحسن (۱۳۸۴). *یادداشت‌های یک روزنامه‌نگار*. تهران: فرهمند.
- غنی، سیروس (۱۳۸۷). *ایران، برآمدن رضاخان، برافتادن قاجار و نقش انگلیسی‌ها*. ترجمه: حسن کامشاد. تهران: نشر نیلوفر.
- فاضلی، نعمت‌ا... (۱۳۹۶). *زنانه شدن شهر با تأکید بر فضاهای شهر تهران*. شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- کاتوزیان، محمدعلی همایون (بی‌تا). *جامعه و دولت در دوره رضاشاه*. روزنامه کارگزاران.
- کاتوزیان، محمدعلی همایون (۱۳۷۴). *اقتصاد سیاسی ایران از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی*. ترجمه: محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی. تهران، نشر مرکز.
- کریمیان، حسین (۱۳۵۵). *تهران در گذشته و حال*. انتشارات دانشگاه ملی ایران.
- متین دفتری، احمد (۱۳۵۰). *خرج و دخل مملکت پیش از مشروطه*. خواندنی‌ها سال سی و دوم، ش. ۴ (۶ مهر ۱۳۵۰): ۴۵.
- محبوبی اردکانی، حسین (۱۳۵۴). *تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران*. تهران: انتشارات انجمن دانشجویان دانشگاه تهران در سلسله انتشارات دانشگاه تهران.
- محرمی، نعمت‌الله؛ مهربان حسن (۱۳۸۵). *مجموعه قوانین و مصوبات تقسیمات کشوری، جلد اول: ۱۲۸۵ الی ۱۳۶۳*. تهران، گهرشاد.
- مستوفی، عبدالله (۱۳۴۳). *شرح زندگانی من*. ج ۲، تهران: زوار.
- مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی (۱۳۰۶). *مجلس ششم*. جلسه ۱۲۳، ۲ تیر، جلسه ۲۹.
- مکی، حسین (۱۳۷۴). *تاریخ بیست‌ساله ایران*. تهران: نشر ناشر.
- ملکزاده، الهام و علیزاده بیرجندی، زهرا (۱۳۹۰). *عوامل مؤثر در شکل‌گیری سیاست‌ها و تحولات جمعیتی در دوره رضاشاه طی سال‌های (۱۳۲۰-۱۳۰۴)*. *فصلنامه جمعیت*، شماره ۷/۷۵.
- ملکزاده، الهام؛ علیزاده بیرجندی، زهرا (۱۳۹۰). *عوامل مؤثر در شکل‌گیری سیاست‌ها و تحولات جمعیتی در دوره رضاشاه طی سال‌های (۱۳۲۰-۱۳۰۴)*. *فصلنامه جمعیت*، بهار و تابستان ۱۳۹۰ - شماره ۷۵ و ۷۶.
- نجفقلی، پسیان و معتضد، خسرو (۱۳۸۲). *از سوادکوه تا ژوهانسبورگ: زندگی رضاشاه پهلوی*. نشر ثالث.
- نفیسی، سعید (۱۳۴۴). *تاریخ شاهنشاهی رضاشاه پهلوی از ۳ افند ۱۲۹۹ تا ۲۴ شهریور ۱۳۲۰*. تهران: انتشارات شورای مرکزی جشن‌های بنیان‌گذاری شاهنشاهی ایران.
- نفیسی، سعید (۱۳۵۳). *گفتگوی خانوادگی درباره تهران قدیم*. انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- هدایت، مخبرالسلطنه (۱۳۶۳). *خاطرات و خطرات*. تهران: نشر زوار.

الهی، همایون (۱۳۸۲). اهمیت استراتژیک ایران در جنگ جهانی دوم. تهران: انتشارات مرکز نشر دانشگاهی.

- Berndtsson I, Claesson S, Friberg F, Öhlen J (2007). Issues about thinking phenomenologically while doing phenomenology. *J Phenomenol Psychol.* 2007, 38 (2): 256-277. 10.1163/156916207X234293.
- Braun, V. and Clarke, V. (2006) Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3 (2). pp. 77-101. ISSN 1478-0887 Available from: <http://eprints.uwe.ac.uk/11735>
- Daniel, Elton L. (2001). *The history of Iran*. Greenwood Publishing Group.
- DeNovo, John A. (1963). *American interests and policies in the Middle East, 1900-1939*. University of Minnesota Press.
- Lindseth A, Norberg A. (2004). A phenomenological hermeneutical method for researching lived experience. *Scandinavian Journal of Caring Sciences*. 2004;18:145-153.
- Miner-Romanoff, K. (2012). Interpretive and critical phenomenological crime studies: A model design. *The Qualitative Report*, 17(Art. 54), 1-32. Retrieved from <http://www.nova.edu/ssss/QR/QR17/miner-romanoff.pdf>
- Ricoeur P. (1976). *Interpretation theory, discourse and surplus of meaning*. Fort Worth: University of Texas Press.